

دانشنامه علوم اجتماعی
دوره ۳، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۰

عوامل ساختاری کنش اجتماعی؛ بررسی مکانیزم تأثیر جامعه بر فرد در نظریه نقش

کاظم سام دلیری*

(تاریخ دریافت ۸۹/۱۰/۲۵، تاریخ پذیرش ۹۰/۶/۱۵)

چکیده

این مقاله با اتکا به نظریه‌های نقش، دلایل و مکانیزم تأثیر جامعه را بر فرد بررسی می‌کند. بر اساس این نظریه‌ها، افراد با اشغال موقعیت‌های گوناگون، با انتظارات مشخصی روبه‌رو می‌شوند. فرد در برابر انتظارات موجود دو راه مشخص پیش‌رو دارد: ۱. پذیرش، ۲. عدم پذیرش و در نتیجه تنبیه و طرد. افراد برای فرار از تنبیه و طرد اغلب راه اول را می‌پذیرند که به معنای گردن نهادن به خواسته‌های جمع است. اما حاکمیت جامعه از راه موقعیت‌ها بر افراد فقط منحصر به مورد اول نیست؛ بلکه جامعه از راه در اختیار گذاشتن فرصت‌های ساختاری (حقوق و امتیازات و امکانات و شرایط نقشی) که برای هر یک از موقعیت‌ها متفاوت است، بر اعمال افراد و کیفیت آن سلطه می‌یابد و باعث شکل‌گیری آن در مسیرهای مشخص می‌شود. تضادهای نقشی و نوع و کیفیت روابط افراد در مجموعه‌های موقعیتی نیز همین پیامد را به همراه دارد.

واژه‌های کلیدی: نقش، موقعیت، انتظارات، فرصت‌های ساختاری، اقتضاهای هنجاری.

مقدمه

برای رهایی از معضل تقابل فرد و جامعه (این مشکل به مسئله حل نشده و قدیمی رابطه فرد و جامعه و اولویت هرکدام بر دیگری اشاره دارد) و چگونگی انتظام جامعه- با وجود افرادی با انگیزه‌ها، نیازها و اهداف گوناگون- نویسندگان مفاهیم موقعیت و نقش را مطرح کردند و پروراندند. این مفاهیم از یک سو مشکل پیوند فرد را با جامعه حل کرد و از سوی دیگر گشاینده مشکل چرایی نظم اجتماعی بود. هرچند این مفاهیم و نظریه‌های حامل آن برخی مشکلات قدیمی بشر را در فهم پدیده‌هایی چون چرایی شکل‌گیری جامعه و نظم اجتماعی حل کرد، از سوی دیگر موجب بروز معضل نظر افراطی حاکمیت جامعه بر فرد و عدم کنشگری فرد در برابر جمع شد؛ به گونه‌ای که دلایل کنش اجتماعی فرد و عمل هماهنگ با انتظارات اجتماعی، موقعیت اشغال شده و نقش‌های محول و محقق دانسته شد. نتیجه چنین نگاهی به جامعه و فرد، بی‌اختیار دانستن فرد در برابر جمع و ناتوانی در تبیین تغییرات اجتماعی است که خود، یکی از مهم‌ترین واقعیت‌های اجتماعی به‌شمار می‌رود.

این مقاله می‌کوشد با ژرف‌نگری در مفاهیم برجسته نظریه‌های معروف به موقعیت و نقش، عوامل علیّ موردنظر این نظریه‌ها را که به عقیده آن‌ها بر اعمال و افکار و حتی شخصیت افراد مؤثر است، نشان دهد. با اتکا به این مقدمه و با مبنا قرار دادن این سؤال: «عوامل ساختاری حاکم بر افراد در نظریه‌های نقش چه هستند و چگونه عمل می‌کنند؟»، بحث مقاله پی گرفته می‌شود. اما پیش از ورود به بحث، لازم است به انواع نظریه‌های نقش نظری کوتاه بیفکنیم و نسبت آن‌ها را با این مقاله روشن کنیم.

انواع نظریه نقش

نظریه‌های معروف به نقش، طیفی از نظریه‌ها را با جهت‌گیری‌های تحلیلی متفاوت به کنشگری فرد شامل می‌شود؛ درحالی که نظریه‌های اولیه این حوزه، فرد را تحت حاکمیت ساختارها می‌دانست. اما در واکنش به آن، نظریه‌های جدیدی ارائه شد که بر کنشگری افراد در برابر ساختارها تأکید فراوانی داشت. با ملاک‌های گوناگون، دسته‌بندی‌های مختلفی از این نظریه‌ها انجام گرفته است (کوزر، ۱۳۷۸؛ Bidle, 1986; Turner, 2002). با ملاک اختیار

عوامل ساختاری کنش اجتماعی؛ بررسی ... کاظم سام دلیری

یا عدم اختیار فرد در موقعیت‌ها، می‌توان این نظریه‌ها را به سه دسته ساختاری، کنش متقابلی و روان‌شناختی تقسیم کرد.

در نظریه‌های ساختاری نقش، همچون نظریه‌های لیتتون (۱۹۳۶)، پارسونز (۱۹۵۱) و دارندورف (۱۳۷۷) تأکید نویسندگان بر موقعیت‌ها و جایگاه‌های افراد در اجتماع و انتظارات و هنجارهای مربوط به آن موقعیت‌هاست. در این دسته از نظریه‌ها، نویسندگان بر این باورند که نظام اجتماعی از مجموعه‌ای از موقعیت‌ها شکل گرفته است که نسبت به افرادی که آن‌ها را اشغال می‌کنند جنبه عینی و جبری دارد. جامعه برای هر یک از این موقعیت‌ها انتظاراتی در نظر گرفته است که نقش افراد را شکل می‌دهد و اشغال‌کنندگان موقعیت‌ها چاره‌ای جز عمل به آن‌ها ندارند (بودن، ۱۳۸۳: ۶۷). پس جامعه از راه موقعیت‌ها و نقش‌ها انتظاراتی خود را بر افراد تحمیل می‌کند.

در مقابل نظریه‌های ساختاری نقش، نظریه‌های روان‌شناختی قرار دارد. این نظریه‌ها بر جنبه ادراکی نقش تأکید می‌کند (لوین‌سن، ۱۳۷۸: ۲۷۰؛ Biddle به نقل از Jackson, 1963). در نظریه‌های روان‌شناختی، نقش‌ها از تفسیر فرد و فهم و ادراک آنان درباره انتظارات اجتماعی و نقشی شکل گرفته است. پس رفتار مبتنی بر انتظارات به فهم افراد از انتظارات موجود و تفسیر آن‌ها وابسته است.

در میان این دو دسته نظریه، نظریه‌های کنش متقابلی نقش قرار می‌گیرد. نویسندگان معتقد به این نظریه‌ها اظهار می‌کنند نقش‌ها در کنش متقابل اجتماعی شکل می‌گیرند. افراد طی کنش متقابل، انتظارات را از یکدیگر شکل می‌دهند و بر اساس آن‌ها رفتار می‌کنند. به عقیده آنان، نقش‌ها الگویی از رفتار هستند که در کنش متقابل پویا در متن اجتماعی ظاهر می‌شوند (Carson, 2006). این گونه است که پایگاه‌ها و موقعیت‌ها که الگوهای رفتاری را برای افراد تعیین می‌کنند، در متن کنش متقابلی تولید می‌شوند.

در این بحث، نظریه‌های ساختاری نقش مبنای بررسی قرار خواهد گرفت؛ چرا که این نظریه‌ها نگاهی حداقلی به آزادی افراد در برابر ساختارها دارند. کنشگری حداقلی فرد در برابر ساختارها یا نتیجه مستقیم قضایای این نظریه‌هاست، یا نتیجه منطقی مباحث آن‌ها. تفکیک این دو، به فهم مباحث مورد نظر بسیار کمک خواهد کرد.

زندگی در دنیای موزائیکی؛ تعریف موقعیت

به اعتقاد اندیشمندان نظریه‌های نقش، دنیای اجتماعی فارغ از افراد حاضر در آن، از شبکه‌ای از «موقعیت‌های» بهم پیوسته و درهم‌بافته تشکیل شده است. موقعیت اجتماعی در معنای ذهنی این نویسنده‌ها، «مکان اجتماعی» [۱] یا «جایگاه اجتماعی» در نظام اجتماعی است (لوپز و اسکات، ۱۳۸۵: ۴۹؛ لوپز سن، ۱۳۷۸).

موقعیت اجتماعی چارچوبی است که نظام اجتماعی به وسیله آن محدوده و کیفیت افکار و رفتارها را شکل می‌دهد. به همین سبب، موقعیت اجتماعی برخلاف افرادی که به آن وارد یا از آن خارج می‌شوند، دائمی و ایستا دانسته شده است. دائمی بودن موقعیت اجتماعی نسبت به افراد حاضر در آن، به موقعیت اجتماعی ویژگی علی می‌بخشد. ویژگی علی موقعیت اجتماعی موجب تعیین شکل، نوع و محدوده افکار و اعمال است (ترنر، ۱۳۷۰: ۲۳۵)؛ به این معنا اشغال موقعیت اجتماعی موجب شکل‌گیری بسیاری از افکار و اعمال افراد است. افراد پس از قرارگرفتن در موقعیت‌های اجتماعی مشخص، ملزم به برگزیدن نوع خاصی از فکر می‌شوند و طبق آن رفتار خواهند کرد. به همین سبب، بسیاری بر این باورند که مفهوم موقعیت و نقش از قدرت پیش‌بینی‌کنندگی بسیار بالایی برخوردار است (پالمر، ۱۳۸۰: ۴۹؛ Amankwa, 2005; Jacson, 1963: 12). آن‌ها معتقدند چنانچه بتوان جایگاه شخص را در جامعه تشخیص داد و در پی آن نقش‌های او را شناخت، می‌توان پیش‌بینی کرد که در آینده او چگونه خواهد اندیشید یا رفتار خواهد کرد.

فرد در نظام اجتماعی موقعیت‌های گوناگونی اشغال می‌کند و متناسب با آن‌ها، فرصت یک سلسله روابط را با سایر افراد در موقعیت‌های دیگر می‌یابد (دوورژه، ۱۳۶۹: ۱۲۲). قرارگرفتن فرد در موقعیتی با سلسله روابط و انتظارهای مشخص، انواع مشخصی از رفتار را بر او تحمیل می‌کند. به همین دلیل، زندگی اجتماعی درون موقعیت‌ها و زمینه‌ها در جریان است (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۳۰). از دارنده موقعیت اجتماعی خاص، انتظار اجرای نوع خاصی از رفتار

عوامل ساختاری کنش اجتماعی؛ بررسی ... کاظم سام دلیری

می‌رود. این انتظارات نسبت به دارندگان موقعیت‌های دیگر نظام اجتماعی متفاوت است (شارون، ۱۳۸۴: ۱۴۶).

موقعیت‌ها را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم کرد: محوّل و محقّق. موقعیت‌های محوّل آن‌هایی هستند که جامعه به افراد می‌دهد و افراد در پذیرش یا ردّ آن‌ها اختیاری از خود ندارند. موقعیت محقّق آن دسته از موقعیت‌هاست که با تلاش، خواست و اختیار فرد به دست می‌آید. دو موقعیت «فرزندى» و «دانشجویی» را در نظر بگیرید: فرد با زاده شدن در موقعیت فرزندى قرار می‌گیرد که در پذیرش یا ردّ آن هیچ اختیاری ندارد؛ اما با تلاش و کوشش خود می‌تواند به موقعیت دانشجویی دست یابد.

روابط اجتماعی درون موقعیت‌ها

هر موقعیتی در ساختار اجتماعی، شبکه‌ای از روابط را با موقعیت‌های دیگر برقرار می‌کند. این روابط می‌تواند به شکل طولی و سلسله‌مراتبی با موقعیت‌های بالا یا پایین و یا با موقعیت‌های هم‌جوار و هم‌عرض در درون نهادها باشد. اما آنچه اهمیت دارد این است که هر موقعیتی با مجموعه‌ای از موقعیت‌ها در ارتباط است. از ارتباط موقعیت‌ها با هم «مجموعه موقعیتی» [۲] شکل می‌گیرد.

در نظام اجتماعی، به هر موقعیت وظیفه‌ای محوّل می‌شود و چگونگی رابطه آن با سایر موقعیت‌های مجموعه موقعیتی تعیین می‌شود. از سوی دیگر، از اشغال‌کننده موقعیت انتظارهای^۱ مشخصی وجود دارد. این چنین است که مجموعه موقعیتی با مجموعه نقش‌های^۲ [۳] (یعنی مجموعه‌ای از انتظارهای نقش‌های^۳ یا هنجارها^۴ و قواعد^۵) همراه می‌شود. فرد با اشغال هر موقعیت، وارد شبکه روابطی با موقعیت‌ها و نقش‌ها می‌شود و همین ورود به شبکه موقعیت‌ها، عامل تعیین‌کننده رفتار او است.

دانشجوی فرضی اشاره شده در بالا را در نظر بگیرید. او پس از قرار گرفتن در این موقعیت، با موقعیت‌های دیگر ارتباط برقرار می‌کند. این موقعیت‌ها را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

1. Expectations
2. Role Set
3. Role Expectations
4. Norms
5. Rules

دانشجویان دیگر، استادان و کادر آموزشی و اداری دانشگاه. با قرار گرفتن فرد در موقعیت دانشجویی، انتظاراتها از او، وظایف و تکالیفش و چگونگی ارتباطش با سایر موقعیتها در مجموعه موقعیتی او نیز مشخص می شود.

نظام نهادی محصول ترکیب موقعیتها

مجموعه‌ای از موقعیتها و نقش‌های دارای کارکرد^۱ و وظایف^۲ مشابه برای نظام اجتماعی که تلاش دارند نیازهای مشخصی از آن را تأمین کنند، نهاد^۳ را تشکیل می دهند (میلز و گرث، ۱۳۸۰: ۴۵؛ اسکات؛ دوورژه، ۱۳۶۹: ۱۲۲؛ اسکیدمور، ۱۳۸۵: ۱۶۸). با کنار هم قرار گرفتن نهادهایی با وظایف و کارکردهای مکمل، «نظام نهادی^۴» شکل می گیرد. به عقیده میلز و گرث، نظام نهادی مجموعه‌ای از نهادهای درون ساختار اجتماعی است که دارای نتایج و اهداف همسان است (۱۳۸۰: ۶۱-۶۲). این نظام‌های نهادی را می توان به نظام سیاسی - نظامی، اقتصادی، خویشاوندی و دینی - فرهنگی تقسیم کرد. هریک از این نظامها وظایف و کارکردهای مشخص و متفاوتی برعهده دارند و درصدد دستیابی به اهداف تعیین شده در راستای تأمین نیازهای نظام اجتماعی هستند.

افراد به اقتضای اشغال هریک از موقعیت‌های اجتماعی می توانند وارد یکی از نهادهای جامعه و نظام‌های نهادی آن شوند. بدیهی است که به دلیل تفاوت در کارکردها و وظایف نهادها و نظام‌های نهادی مختلف، وظایف افراد در هریک از آنها متفاوت خواهد بود. تفاوت در وظایف، تفاوت در «انتظاراتهای نقشی» را در پی خواهد داشت. انتظاراتهای نقشی در تعریفی ابتدایی، چگونگی انجام وظایف درون موقعیتهاست. پس، تفاوت در کارکردها و وظایف انتظاراتهای نقشی در هر نهاد، نسبت به نهاد دیگر، موجب تفاوت در عملکردهای اشغال کنندگان هریک از موقعیتها می شود.

دانشجوی موردنظر با قرار گرفتن در موقعیت جدید وارد نظام نهادی جدیدی (نظام نهادی فرهنگی) با کارکردها، وظایف و انتظاراتهای نقشی جدید و گاه متفاوت با قبل می شود. این

1. Function
2. Duties
3. Institution
4. Institutional System

عوامل ساختاری کنش اجتماعی؛ بررسی ... کاظم سام دلیری

تغییر موقعیتی و درپی آن تغییر در وظایف و انتظاراتی نقشی، تحولاتی را در افکار و اعمال او به وجود می آورد؛ به گونه ای که فرد مورد نظر دیگر با هویتی جدید (دانشجو) شناخته خواهد شد.

نقش اجتماعی^۱ الگوی کنش

برای هر موقعیتی مجموعه ای از انتظارات وجود دارد که الگوی رفتار افراد را شکل می دهد. مجموعه این انتظارات تعیین کننده ارزش ها و هنجارها، اخلاقیات، نوع پوشش و سبک رفتار افراد است. دارندورف (۱۳۷۷: ۹۶) نقش را رفتارهایی می داند که بر اساس الگوی از پیش شکل گرفته انجام می گیرد. از نظر پارسونز (۱۹۵۱)، شیوه هایی خاص از عمل و الگوهای مشخصی از رفتار هست که نقش نامیده می شود. فرد با قرارگرفتن در هر موقعیت، ناگزیر از رفتار کردن بر اساس الگوهای مشخص شده برای آن و پیروی از انتظارات است. با پیروی از انتظارات و رفتار بر اساس الگوها، اشغال کننده موقعیت در مسیر مسئولیت های تعیین شده عمل می کند. اما عمل به مسئولیت ها و پاسخ گویی به انتظارات، قواعد و الزام هایی را برای افراد ایجاد می کند؛ یعنی فرد برای انجام وظایف، ناگزیر از نوع خاصی از رفتار و در نظر گرفتن الزامات است. به این معنا که موقعیت از طریق انتظارات نه تنها برای فرد تعیین می کند که «چه» کارهایی باید انجام دهد؛ بلکه «چگونگی» انجام آن کارها را هم مشخص می کند (لوپز، ۱۳۸۵: ۵۴) [۴].

وظیفه^۳ اجتماعی

یکی از ویژگی های هر موقعیت، «کارکرد» آن برای نظام اجتماعی است (مرتن به نقل از Bodreau, 2005). برای هر موقعیت، کارکردی در نظر گرفته شده است که برای رفع نیازهای نهاد، نظام نهادی و در نهایت نظام اجتماعی ضرورت دارد. از دارنده هر موقعیت انتظار می رود پس از اشغال آن، با انجام وظایفی مشخص در جهت تحقق این کارکردها رفتار کند. از سوی دیگر، در هر موقعیت، چگونگی رفتار اشغال کننده در برابر دارندگان موقعیت های مرتبط تعیین

-
1. Social Role
 2. Responsibilities
 3. Duty

شده است. همین رفتارهای مورد انتظار «وظایف» اشغال‌کنندگان موقعیت‌ها را روشن می‌کند. هر فردی در هر موقعیتی «وظیفه» دارد در جهت کارکردهای آن رفتار کند. این‌گونه است که نیازهای «نهاد» تأمین می‌شود. از سوی دیگر، او در قبال موقعیت‌های مرتبط در مجموعه موقعیتی و اشغال‌کنندگان آن‌ها نیز وظایفی دارد.

وظایف و کارکردهای موقعیت که انتظارات اجتماعی آن‌ها را تعیین کرده است، در شکل هنجارها و قواعد و الزام‌ها برای چگونگی رفتار ظاهر می‌شود (Herman et al., 2003). به این ترتیب، در کنار و مرتبط با مفهوم نقش که مجموعه‌ای از انتظارات در مورد رفتار دارندگان موقعیت اجتماعی مشخص است (دارندورف، ۱۳۷۷: ۵۵)، مفاهیمی دیگر همچون الگو، الزام، هنجار (اقتضاهای هنجاری^۱ یا تقاضاهای ساختاری^۲) سربرمی‌آورد. همان‌گونه که پیداست، مفهوم اساسی و محوری در مبحث نقش، «انتظار» است. انتظارات در کنار فشارها و شرایط مساعد ساختاری دیگر، رفتارهای افراد را شکل می‌دهد (ترنر، ۱۳۷۳: ۲۱۹) و مشخص می‌کند فرد «چه» کارهایی را «چگونه» انجام دهد.

انتظارات نقش از چند منبع صادر می‌شود: اول اینکه این انتظارات، انتظار از سوی کل جامعه است [۵]؛ به این معنا که تعیین‌کننده آن جامعه کلی است و انتظارات به شکل «متن نمایش‌نامه» یا یک واقعیت اجتماعی [۶] بر رفتار دارنده یک موقعیت مشخص حکومت می‌کند و به آن جهت می‌دهد (ترنر، ۱۳۷۳: ۳۱۸؛ Hawila). جامعه برای هر یک از موقعیت‌ها، رفتارهای خاصی را تعیین می‌کند و از دارنده آن موقعیت توقع دارد متناسب با آن انتظارات رفتار کند [۷] (Hawila). اشغال‌کننده موقعیت هم ناگزیر از اجرای آن انتظارات است؛ زیرا در صورت سرپیچی با واکنش جامعه روبه‌رو می‌شود. نوع دوم انتظارات، مربوط به گروه‌های مرجع فرد است (دارندورف، ۱۳۷۷؛ ترنر، ۱۳۷۳: ۲۲۸). گروه‌های مرجع نقطه ارجاع فرد برای شکل‌دادن به نگرش‌ها، ارزش‌یابی‌ها و رفتار است (Merton, 1972). این گروه‌ها برای فرد اهمیت دارد و فرد آرزو می‌کند به آن‌ها بپیوندد (کلاین‌برگ، ۱۳۷۲: ۵۲۹) و در تلاش است تا با عمل به خواسته‌های آنان رضایتشان را جلب و خود را به آنان همانند کند. گروه‌های مرجع

1. Contingent
2. Structural Demands

عوامل ساختاری کنش اجتماعی؛ بررسی ... کاظم سام دلیری

در موقعیت‌های مشخص انتظاراتی از فرد دارند که فرد ملزم به اجرای آنهاست یا خود را ملزم به اجرای آنها می‌داند. سومین نوع انتظارها، انتظار افراد در سایر موقعیت‌های مجموعه موقعیتی است (Parsons به نقل از Jackson, 1963). افراد در سایر موقعیت‌های مجموعه موقعیتی یا به‌عنوان «بازیگران» (ترنر، ۱۳۷۳) [۸] با فرد موردنظر در کنش متقابل‌اند و یا به‌عنوان «تماشاگران» تماشاچی کنش بازیگر نقش هستند. این افراد از شخص انتظارهایی دارند که او ناگزیر از اجرای آنهاست.

هریک از این سه گروه از هر موقعیت و دارنده آن انتظارهایی دارند و اشغال‌کننده موقعیت موردنظر به‌دلیل فشارهای بیرونی یا درونی ملزم به اجرای انتظارهای آنان است. این انتظارها ممکن است همگرا و در یک جهت واحد و یا در جهت‌های مختلف و متضاد باشد. هرگاه انتظارهای نقش مورد پذیرش جمع قرار گیرد و ضمانت اجرا و الگو پیدا کند، به‌هنگار تبدیل می‌شود (Parsons, 1949). هنگامها در شکل قانون، رسم، عرف، میثاق و پیمان، سنت و... ظاهر می‌شوند و ضمن تعیین الگوهای رفتار، به تحقق انتظارها یاری می‌رسانند. هنگامها معیارهای مورد قبول برای رفتار فرد یا گروه را تعیین می‌کنند. آنها با تعیین بایدها و نبایدها، ضمن الزام افراد به انجام نوع خاصی از رفتار، چگونگی انجام رفتارها (یا الگوهای رفتاری) را نیز برای هر موقعیت مشخص می‌کنند. این‌گونه است که افراد هم محدودۀ رفتارهای مجاز را می‌شناسند و هم می‌دانند که برای تحقق اهداف جمعی یا فردی چگونه رفتار کنند. آنها با ارائه معیارهای رفتاری قابل قبول به افراد، می‌فهمانند که در شرایط مشخص و معین چه باید (یا نباید) انجام دهند. همچنین روشن می‌کنند که در موقعیتی که قرار دارند، چه انتظارهایی از آنان می‌رود (رابینز، ۱۳۸۵: ۴۷۳).

سر باز زدن از هنگامها دشوار است؛ چرا که واکنش گروه‌های مرجع، افراد درون موقعیت‌های مجموعه موقعیتی مرتبط و یا واکنش افراد در موقعیت‌های خارج از مجموعه موقعیتی را به‌همراه دارد. این چنین است که مفهومی دیگر مطرح می‌شود که به ضمانت اجرا معروف است. ضمانت اجرا ابزاری تنبیهی یا تشویقی در دست گروه‌های هنگامها، و وسیله فشار برای اجرای نقش‌هاست. تعیین‌کنندگان انتظارهای نقشی از راه ضمانت‌های اجرا مطمئن

می‌شوند که اشغال‌کنندگان نقش‌ها به وظایف خود عمل کرده‌اند یا خیر و آیا به انتظارات پاسخ می‌گویند؟

تضاد نقشی^۱

همان‌گونه که توضیح داده شد، برای هر موقعیتی درباره وظایف افراد اشغال‌کننده موقعیت‌ها در قبال نهادی که در آن قرار دارند و یا سایر موقعیت‌های مرتبط، انتظاراتی وجود دارد. از فرد انتظار می‌رود به شیوه‌ای خاص رفتار کند تا به این وظایف پاسخ گوید. پس موقعیت‌ها از طریق انتظارات، هم برای افراد تعیین می‌کنند که «چه» وظایفی باید انجام دهند و هم اینکه آن‌ها را «چگونه» انجام دهند. از سوی دیگر، تناقض‌های موجود در انتظارات گوناگون از افراد موجب رفتارهای متفاوت آنان می‌شود. گفته شد که انتظارات موجود برای هر موقعیت می‌تواند از چند منبع صادر شود: جامعه، گروه‌های مرجع و افراد درون مجموعه موقعیتی [۹]. اگر انتظارات نقشی صادر شده از سوی این مراکز گوناگون و متضاد باشد، فرد در میان چند انتظار متضاد سرگردان می‌شود و رفتاری که بر اساس یکی از انتظارات درپیش گرفته است برخلاف انتظارات دیگر خواهد بود. بنابراین، از فرد رفتارهایی سرمی‌زند که از یک سو هم‌نوا و از سوی دیگر ناهم‌نوا فرض می‌شود. پس موقعیت و نقش با قراردادن افراد در چهارراه‌های انتظاراتی متفاوت، موجب ایجاد رفتارهایی مشخص در آن‌ها می‌شوند.

انتظاراتی متفاوت و متضاد از فرد، به یک موقعیت واحد مربوط می‌شود؛ اما افراد در زندگی اجتماعی در چندین موقعیت متفاوت قرار می‌گیرند. قرارگرفتن فرد در موقعیت‌های متفاوت - درون یک نهاد یا در میان آن‌ها و یا در نظام نهادی متفاوت - او را با انتظارات گوناگون و گاه متضادی روبه‌رو می‌کند [۱۰]؛ چرا که انتظارات از فرد به اقتضای موقعیت‌های متفاوت، متفاوت خواهد بود. پیشتر گفتیم که فرد با اشغال هر موقعیت با مجموعه‌ای از موقعیت‌ها و نقش‌ها ارتباط پیدا می‌کند. هر یک از این مجموعه‌های موقعیتی می‌تواند دارای یک گروه مرجع یا مجموعه موقعیتی متفاوت باشد. پس اشغال چند موقعیت در چند نهاد یا

1. Role Conflict

عوامل ساختاری کنش اجتماعی؛ بررسی ... _____ کاظم سام دلیری

نظام نهادی متفاوت به دو دلیل موجب ایجاد رفتارهایی ناهم‌نوا در افراد می‌شود: یکی به دلیل وظایف و نقش‌های متفاوت و دوم، انتظاراتی متفاوت از سوی گروه‌های مرجع و افراد در مجموعه‌های موقعیتی متفاوت. در این وضعیت، فرد یا ناگزیر از رها کردن برخی انتظارات و پاسخ‌گویی به بعضی دیگر است، یا انجام دادن هم‌زمان آن‌ها، یا وانهادن همه آن‌ها که در هر صورت، پاسخ‌گویی یا عدم پاسخ‌گویی او تناقض رفتاری یا سرپیچی از انتظارات را در پی خواهد داشت. این به آن معنا است که موقعیت‌های متفاوت با رودررو کردن فرد با انتظاراتی گوناگون او را به تناقض رفتاری می‌کشاند.

درباره انتظاراتی نقشی هم می‌توان منتظر تضاد بود؛ به این معنا که در میان بخش‌های مختلف جامعه و گروه‌های درون آن، درباره چگونگی انجام وظایف فرد اختلاف نظر باشد. می‌توان فرض کرد که گروه‌های مختلف جامعه هنجارهای متفاوتی درباره یک موقعیت داشته باشند؛ به همین سبب برای چگونگی انجام وظیفه برای نقشی واحد، قواعد گوناگونی وضع کنند. در این معنا نیز فرد در موقعیت خود و ایفای نقش‌ها با دوگانگی و تناقض روبه‌رو است. دانشجوی فرضی مورد نظر را تصور کنید. او پس از حضور در موقعیت جدید با انتظاراتی تازه‌ای روبه‌رو می‌شود. انتظاراتی جامعه از او بسته به شرایط جدید، با موقعیت و نقش گذشته (یعنی دانش‌آموزی) متفاوت است. انتظاراتی جامعه از این فرد درباره نوع پوشش، آرایش، گفتار، نوع و کیفیت ارتباطات و مانند آن‌ها و حتی چگونگی نگاه به امور و مفاهیم سیاسی، فرهنگی، دینی و غیره متفاوت است و متناسب با موقعیت جدید می‌شود. فرد نیز باید مطابق با انتظاراتی جدید عمل کند؛ زیرا سر باز زدن از انتظاراتی پیامدهای ناخوشایندی برایش خواهد داشت. برای مثال، زیاد شنیده‌ایم که گفته‌اند فلان کار، لباس، آرایش، گفتار و... براننده دانشجو نیست. همین سخن نه تنها انتظاراتی را از موقعیت دانشجویی نشان می‌دهد، بلکه خود مکانیزمی بازدارنده در برابر انحراف از انتظارات است؛ یعنی نوعی اعتراض به رفتار و انتقاد از آن است و ضمانت اجرا برای انتظارات را نشان می‌دهد (ضمانت اجرا بسته به نوع انحراف از اخم تا طرد یا فراتر از آن حذف فیزیکی در نوسان است). این‌گونه است که در موقعیت جدید هم

انتظارها برای فرد است (چه رفتارهایی انجام دهد) و هم چگونگی تحقق انتظارها تعیین می‌شود (کیفیت رفتار) و هم فرد ملزم به رعایت می‌شود.

هرچند بسیاری از انتظارها و چگونگی تحقق آنها برای دانشجوی فرضی مشخص است، به دلیل تفاوت در منابع تعیین انتظارها و هنجارها می‌توان ناهمخوانی و تضادهایی را در آنها مشاهده کرد. برای این دانشجو خانواده، استادان، کادر اداری و آموزشی و دانشجویان دیگر منبع تعیین انتظارها هستند. برای مثال، خانواده از فرد می‌خواهد با تلاش و گرفتن نمره‌های خوب و وظایف دانشجویی خود را به خوبی انجام دهد. استادان انتظار دارند دانشجویان با فراگیری دروس و انجام تکالیف، زحمات آنان را قدر بدانند و به هدر ندهند. کادر اداری دانشگاه نیز خواستار پیروی دانشجو از مقررات دانشگاه است. اما در امتحانات پایان ترم پس از تلاش‌های فراوان برای یادگیری دروس، برای گرفتن نمره‌های خوب (پاسخ‌گویی به انتظارهای خانواده و استادان) یک یا تعدادی از دانشجویان (افراد مجموعه موقعیتی) خواستار دریافت پاسخ سؤالات از استاد هستند (تقلب). بنابراین فرد در چندراهه انتظارات متفاوت قرار می‌گیرد و بسته به قدرت ضمانت اجرای صاحبان هر یک از انتظارها، به آنها جواب می‌دهد. بنابراین، در این مثال ویژه، رفتار دانشجو تابع انتظارات متفاوت و ضمانت‌های اجرای آنهاست.

فرصت‌های ساختاری^۱، پیامد اشغال موقعیت و پذیرش نقش

برای موقعیت فقط وظیفه و تکلیف تعیین نشده است؛ در کنار آنها، حقوق و امتیازات (Linton, 1936: 114; Parsons, 1945: 54) و امکانات و شرایط - برای انجام وظایف - نیز در نظر گرفته شده است [۱۱]. فرد با قرارگرفتن در هر موقعیت، هم موظف است وظایف تعیین شده برای آن موقعیت را انجام دهد و هم می‌تواند از امتیازات آن موقعیت سود ببرد. از سوی دیگر، او از این اختیار برخوردار است تا از امکانات آن برای انجام وظایف و یا بهره شخصی استفاده کند. بنابراین فرصت‌های ساختاری، فرصت‌هایی است که ساختارهای

1. Structural Opportunities

عوامل ساختاری کنش اجتماعی؛ بررسی ... کاظم سام دلیری

اجتماعی را در اختیار افراد قرار می‌دهد. این فرصت‌ها می‌تواند با فراهم آوردن شرایط مشخص، بر رفتار افراد تأثیر گذارد.

الف. حقوق^۱ و امتیازات^۲

موقعیت‌ها بسته به نوع وظایف و کارکردها و اهمیتشان، از حقوق و امتیازات متفاوتی برخوردارند (Linton, 1936). هرچه اهمیت موقعیتی بیشتر باشد، حقوق و امتیازات آن نیز بیشتر خواهد بود [۱۲]. حقوق و امتیازات هر موقعیتی ممکن است شأن یا اعتبار، کشش و جاذبه، میزان آزادی، دستمزد و ثروت، نفوذ و مانند آن باشد (مندراس و گروویچ، ۲۵۳۶: ۱۵۵؛ شارون، ۱۳۸۴: ۸۶). این حقوق و امتیازات را می‌توان در چند طبقه جای داد: ۱. حقوق بوم‌شناختی مانند حق اشغال فضای شخصی (خانه، اتاق کار و...); ۲. حقوق اقتصادی شامل برخی ارزش‌های مادی که برای حیثیت در سطحی مناسب با پایگاه ضرورت دارد؛ ۳. حقوق مربوط به «آسایش خیال» که شهرت اخلاقی (پرستیژ و اعتبار) معینی به فرد می‌دهد (Znaniecke, 1940: 16); ۴. دارایی فرهنگی شامل اطلاعات، مهارت، دانش و شناخت (چلبی، ۱۳۸۶: ۳۶). آگ‌برن (۱۳۵۳: ۲۰۸) این حقوق را شأن‌های زندگی می‌داند. به عقیده او، شأن‌های زندگی مجموعه توانایی‌های هر فرد یا گروه برای برخورداری از مزایای زندگی، درآمد کافی و آسایش در رشد و عافیت و امنیت و آزادی است.

ب. امکانات^۳ و شرایط^۴ نقشی

حقوق و امتیازات فقط بخشی از منابعی است که از طریق موقعیت‌ها در اجتماع توزیع می‌شود. بخش دیگر این منابع، امکانات و تسهیلات و شرایطی است که برای انجام وظایف به هر موقعیت وابسته است. به نظر لوین‌سن، علاوه بر اقتضاها و تکلیف‌ها (اقتضاهای هنجاری) که از طریق موقعیت بر فرد تحمیل می‌شود؛ موقعیت فرد، فنون،

1. Rights
2. Privileges
3. Chances
4. Conditions

منابع و شرایط کار را هم برای انجام کارکردها در اختیار اشغال کننده قرار می دهد (لوین سن، ۱۳۷۸: ۱۷۳). لوین سن این مطلب را با عنوان «امکانات نقشی» مفهوم سازی می کند.

در هر موقعیت، افراد برای انجام وظایف خودشان نیازمند به کارگیری امکانات، ابزار، دانش و استفاده از شرایط یا در نظر گرفتن آنها هستند. اساساً بدون وجود هریک از این منابع، امکان انجام وظایف متصور نیست. این منابع از طریق موقعیتها میان اعضا توزیع می شود تا آنان وظایف خود را انجام دهند. از سوی دیگر، افراد اسیر شرایطی هستند که موقعیت برای آنها ایجاد می کند.

اعضا به واسطه اشغال برخی موقعیتها، خارج از خواست، نظم و پیش بینی اجتماعی، به منابعی فراتر از حقوق و امتیازات دست می یابند. برخی موقعیتها برای فرد این امکان را فراهم می کنند تا خارج از قواعد پیش بینی شده اجتماعی (قانون، عرف، اخلاق و...) به برخی منابع دسترسی پیدا کنند. این امکان که ناشی از ساختار فرصت تأمین شده از سوی موقعیت است، فرد را برای سود بردن از برخی امتیازها و امکانات نقشی خارج از قواعد پذیرفته اجتماعی توانا می کند. فرد با اشغال موقعیت نه تنها به حقوق و امتیازات تعیین شده دسترسی پیدا می کند و برای انجام وظایف، امکاناتی در اختیارش قرار می گیرد؛ بلکه به منابعی خارج از قواعد پیش بینی شده نیز دست می یابد. بخشی از این منابع ناشی از شرایطی است که موقعیت با قراردادن فرد در شبکه روابط با موقعیتهای مجاور، برای او فراهم می آورد. دسترسی به اطلاعات از این نوع است.

امکانات نقشی از آن رو به موقعیت و افراد مستأجر [۱۳] اختصاص می یابد تا وظایف در جهت تأمین نیازهای نظام اجتماعی به خوبی انجام گیرد. یکی از این امکانات- که شرایط کار است- امکان پنهان ماندن فرایند انجام وظایف از دید سایر افراد در مجموعه های موقعیتی مرتبط است (آتو به نقل از صدرنوبی، ۱۳۸۴: ۳۱۱). هنجارهای نقشی برخی موقعیتها این امکان را برای افراد در نظر گرفته اند تا آنان برای انجام هرچه بهتر وظایف، آنها را به دور از نگاه دیگران انجام دهند. برخی نقشها به دلیل ویژگی های خاص خود، برای انجام هرچه بهتر وظایف، نیاز به پنهان کردن فرایند ایفای نقش از نظر دیگران دارند. هرچند پنهان ماندن فعالیت

عوامل ساختاری کنش اجتماعی؛ بررسی ... کاظم سام دلیری

این گونه نقش‌ها موجب انجام دادن هرچه بهتر وظایف می‌شود، از پیامدهای آن، کاهش کنترل اجتماعی بر ایفاگران نقش است (Merton, 1975). به این دلیل است که افراد در موقعیت‌های دیگر مجموعه موقعیتی و حتی گروه‌های مرجع، از اینکه افراد «چه» وظایفی را «چگونه» انجام می‌دهند، آگاه نیستند. این شرط در کنار افزایش کارایی، امکان انحراف از هنجارها را افزایش می‌دهد. نقش سیاسی یکی از نقش‌هایی است که در آن بالاترین پنهان‌کاری در انجام وظایف به چشم می‌خورد (Ibid).

دانشجوی موردنظر پس از طی دوره تحصیل، به واسطه فعالیت‌های سیاسی خود و ایجاد روابط با احزاب حاکم وارد منصب دولتی می‌شود (تغییر موقعیت و حضور در نظام نهادی سیاسی که کسب آن، خود ناشی از حضور در موقعیت دانشجویی است). به واسطه حضور در موقعیت جدید، به حقوق و مزایای به‌لحاظ کیفی و کمی متفاوت با موقعیت قبل دست می‌یابد: درآمد بالا، خانه سازمانی، راننده، مسافرت‌های داخلی و خارجی و مانند آن. از سوی دیگر، در موقعیت جدید برای انجام وظایف، امکانات و شرایطی در اختیارش گذاشته می‌شود: دسترسی به اطلاعات طبقه‌بندی‌شده، ماشین دولتی، دفترکار و... همچنین امکاناتی از قبیل حضور در موقعیت جدید به دست می‌آورد که در قانون تعریف نشده است: ارتباط با مدیران سطح بالا و افراد و خانواده‌هایی از طبقات ثروتمند، آگاهی از طرح‌های اقتصادی و خدماتی که فقط تعداد اندک‌شماری از آن‌ها باخبرند، دسترسی به رسانه، امکان ادامه تحصیل در سطوح عالی یا آموزش‌های تخصصی و مانند آن. همه این برخوردارها موجب می‌شود دانشجوی موردنظر که در دوران دانشجویی دارای گرایش‌های ضد تجملی و عدالت‌طلبانه بود، در کار و زندگی به‌گونه‌ای عمل کند که مصداقی از تجمل‌گرایی و نشانه‌ای از فاصله طبقاتی باشد.

سبک‌های رفتاری

استفاده از حقوق و امتیازات مربوط به هر موقعیت، شیوه‌ای خاص از زندگی (سبک رفتاری و زندگی) را در اختیار افراد می‌گذارد. از افراد در جایگاه‌های گوناگون و متفاوت انتظار می‌رود بر اساس نوع امتیازات کسب‌شده، شیوه‌ای خاص از رفتار و سبک زندگی را اختیار، و به آن

عمل کنند. پس، جامعه از طریق موقعیت‌ها و جایگاهی که در سلسله‌مراتب اجتماعی به فرد تعلق می‌گیرد، سبک زندگی او را مشخص می‌کند.

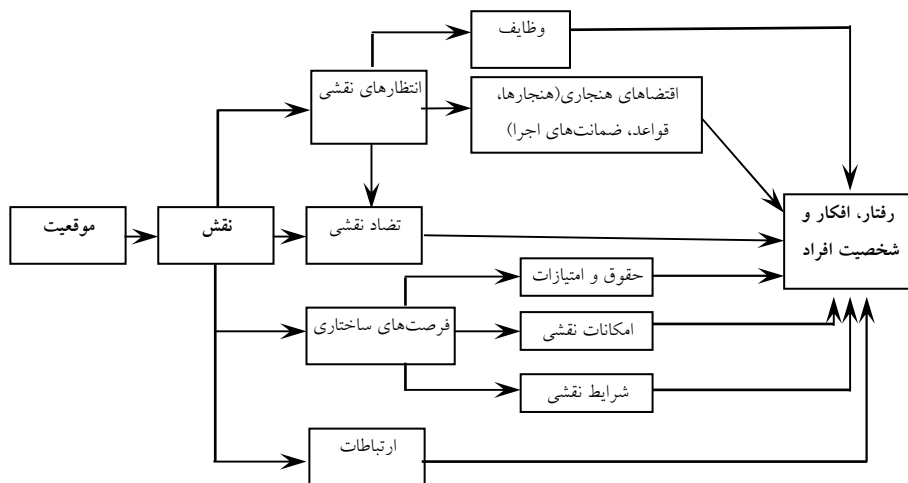
انواع نقش با ملاک آزادی افراد

نقش‌های اجتماعی را می‌توان بر اساس ملاک‌های مختلف به انواع متفاوتی تقسیم کرد. روش بلاو (۱۳۷۲: ۲۲۰) با ملاک اجبارآمیز بودن یا میزان آزادی افراد، نقش‌ها را به سه دسته: نهادی، گروهی و شخصی تقسیم می‌کند. به عقیده وی، نقش‌های نهادی نقش‌های خارجی و عینی هستند و بر فرد تحمیل می‌شوند. این نقش‌ها بر افراد مقدم‌اند و افراد درون آن‌ها فقط همچون مستأجری وارد و از آن خارج می‌شوند. نقش‌های نهادی بر اساس تعریف‌های استواری بنا شده‌اند و امکان تغییر آن‌ها دشوار است و فرد درون آن‌ها آزادی کمتری دارد [۱۴]. نقش‌های گروهی به نقش‌هایی اطلاق می‌شود که فرد در آن‌ها از آزادی بیشتری - نسبت به نقش‌های پیشین - برخوردار است. در این نقش‌ها اعضای گروه بر حسب وظایفی که برعهده دارند و نیز بر اساس انگیزه‌های شخصی - گرچه به‌گونه‌ای نسبتاً قابل پیش‌بینی و منظم - از هم متمایز می‌شوند. در نقش‌های شخصی، نسبت به دو نقش دیگر، از آزادی بیشتری برخوردارند. بنابراین، این مفهوم «عنصری اصیل و غیرقابل پیش‌بینی را در رفتارهای اجتماعی وارد می‌کند.» (همان‌جا).

با همین ملاک، هرمن و دیگران (۲۰۰۴) نقش‌ها را به اجتماعی و رسمی تقسیم می‌کنند [۱۵]. به نظر آنان، نقش‌های اجتماعی نقش‌هایی هستند که انتظارات از آن‌ها کاملاً مشخص و روشن نیست؛ از این‌رو افراد در آن‌ها از آزادی بیشتری برخوردارند. اما نقش‌های رسمی، برخلاف نقش‌های قبلی، ثابت و با انتظارات روشن و تغییرناپذیرند؛ به همین سبب آزادی افراد در آن‌ها به حداقل می‌رسد. هاویلا و الگن و هولنبک (۱۹۹۱) در طبقه‌بندی خود از نقش‌ها، به نقش شغلی اشاره دارند. نقش شغلی مورد نظر این نویسندگان را می‌توان جزئی از نقش‌های رسمی تعریف‌شده از سوی هرمن و دیگران و ذیل نقش نهادی مورد نظر بلاو دانست. در این نوع نقش، مجموعه‌ای از وظایف دیده می‌شود که عینی، بروکراتیک و غیرپویاست و انتظارات

عوامل ساختاری کنش اجتماعی؛ بررسی ... کاظم سام دلیری

وظایف آن‌ها چنان روشن و مشخص است تا در شکل قوانین و سلسله‌مراتب رسمیت یابد. به‌همین سبب، فرد پس از قرارگرفتن در این‌گونه نقش کمترین آزادی را داراست. اگر نقش شغلی را با نقش بیانی^۱ مقایسه کنیم، این عینیت به‌وضوح نمایان می‌شود. نقش بیانی مانند نقش عالمِ علوم دینی و عالم اخلاقی، شاعر، نویسنده، هنرمند و مانند آن که بر «منتقل کردن افکار و تجربه‌های عاطفی و کاربرد نمادهای جاری جامعه» مبتنی‌اند (مندراس، ۲۵۳۶: ۱۵۴)، برای فرد آزادی فراوانی قائل می‌شود تا جایی که فرد اغلب حتی هنجارهای نقشی را خود تعریف می‌کند.



شکل ۱ مدل تأثیر جامعه از طریق موقعیت و نقش بر افراد

نتیجه‌گیری

مفاهیم موقعیت و نقش از یک‌سو ابزار نظری مناسبی برای تجزیه جامعه و تقلیل آن به عناصر مبنایی به‌دست می‌دهد و از سوی دیگر، چارچوبی نظری برای تبیین دلایل کنش فرد-در سطح خرد- و نظم اجتماعی- در سطح کلان- است. با استفاده از این دو مفهوم و نظریات

حامل آن‌ها، هم می‌توان توصیفی دقیق از ساختارهای جامعه به‌دست آورد و هم عوامل کنش فرد و نظم اجتماعی را تبیین کرد. هرچند مرور نظریه‌های نقش در این مجال اندک هر سه این نتایج را به‌همراه دارد، این متن فقط بر کشف عوامل ساختاری کنش فرد متمرکز است. با تشریح نظریه‌های نقش، دریافته‌ایم که در درجه نخست انتظاراتی که از فرد در موقعیت‌های مختلف وجود دارد، کنش اجتماعی او را شکل می‌دهد. فارغ از اینکه چه کس - یا کسانی - موقعیت‌ها را اشغال کنند، از پیش انتظارهایی درباره نوع وظایف موقعیت‌ها و رفتار افراد حاضر در آن‌ها وجود دارد. این انتظارها مشخص می‌کنند که افراد چه کارهایی را انجام دهند و آن‌ها را چگونه انجام دهند. از این‌رو، هم نوع وظایف و رفتارهای افراد در موقعیت‌ها از پیش مشخص است و هم چگونگی انجام آن‌ها. برای جلوگیری از تخطی از انتظارها، هنجارها و قواعد و الزام‌هایی تعیین شده است که جلوی فرار از انجام وظایف را می‌گیرد یا هزینه سرپیچی از آن را به حداکثر می‌رساند. همه این‌ها اولین عامل ساختاری مؤثر بر کنش اجتماعی فرد است. اما موقعیت و نقش فقط از این راه بر کنش فرد مؤثر نیست؛ بلکه جامعه از راه در اختیار نداشتن فرصت‌های ساختاری مشخص برای هر موقعیت (حقوق و امتیازات و امکانات و شرایط نقشی)، پایگاه و سبک زندگی و رفتار دارنده آن موقعیت را نیز مشخص می‌کند. بنابراین، عامل ساختاری دیگر شکل‌دهنده به کنش فرد، فرصت‌های ساختاری تعلق‌گرفته به یک موقعیت است. از سوی دیگر، مجموعه روابطی که فرد پس از اشغال موقعیت با افراد مجموعه موقعیتی خود پیدا می‌کند (به‌دلیل تغییر نوع و کیفیت روابط) به‌همراه تضادهای نقشی - که نتیجه انتظارهای متفاوت و متضاد از فرد و موقعیت‌هاست - از عوامل دیگر در شکل‌دهی به کنش‌های اجتماعی افراد است.

پی‌نوشت‌ها

۱. social Locus معادل کلمه Position، واژه‌های مقام، شأن، موضع و وضعیت هم به‌کار برده می‌شود.
۲. Position Set دارندورف (۱۳۷۷: ۵۱) این مفهوم را با اصطلاح «میدان موقعیتی» (positional Field) به‌کار می‌برد.

عوامل ساختاری کنش اجتماعی؛ بررسی ... _____ کاظم سام دلیری

۳. مرتن (۱۹۵۷) معتقد است: دو نظر دربارهٔ انواع نقش‌هایی که فرد بازی می‌کند وجود دارد؛ اولین نظر - که از آن لیتتون است - آن است که فرد در موقعیت‌های مختلف، نقش‌های مختلفی بازی می‌کند. این به آن معناست که در هر موقعیت فقط یک نقش وجود دارد (نقش‌های چندگانه). اما به نظر مرتن، هر فرد در هر موقعیت می‌تواند چندین نقش داشته باشد. این معنا را مرتن با اصطلاح «مجموعه نقش» توضیح می‌دهد.

۴. مرتن (1949: 132) این دو بعد از انتظارات نقش را با عنوان «اهداف مشروع» و «هنجارهای تنظیم‌کننده» رفتار [ابزارهای مشروع] برجسته می‌کند. همچنین اسکات معتقد است نقش‌ها اهداف، ابزارها و نگرش‌های به‌لحاظ فرهنگی مشروع را برای کسانی که یک موقعیت ویژه را اشغال نموده‌اند تعریف می‌کنند.

۵. دارندورف (۱۳۷۷) در بخش انتظارات اجباری بر آن است که زمانی انتظارات اجباری می‌شوند که کل جامعه گروه مرجع فرد به‌شمار آیند.

۶. این اصطلاح را در تعریفی دورکیمی، به معنای عینی، تحمیلی و بیرونی به‌کار می‌بریم.

۷. هاویلا از این انتظارات با عنوان تقاضای (Demand) نقش نام می‌برد.

۸. پارسونز از آن با عنوان «دیگری» یاد می‌کند (Jackson, 1963).

۹. ترنر (۱۳۷۳: ۲۲۸) انواع انتظارات را ناشی از هنجارها، دیگران و گروه‌های مرجع می‌داند.

۱۰. مرتن و باربر این وضعیت را نوعی «دوگونگی جامعه‌شناختی» می‌دانند (کوزر، ۱۳۸۷: ۵۲۷).

۱۱. برخی همانند لیتتون (۱۹۳۶)، Status را به‌جای واژهٔ Position به‌کار می‌گیرند. Status در تعریف لیتتون، دارای معنایی وسیع‌تر از Position است؛ چرا که علاوه بر نشان دادن یک جایگاه در اجتماع، وضع آن را نیز در سلسله‌مراتب اجتماعی - که با ارزیابی از طرف جامعه مشخص می‌شود - نشان می‌دهد. به‌همین دلیل است که لیتتون Status را دارای دو ویژگی می‌داند: ۱. موقعیتی در الگویی ویژه؛ ۲. مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف (به نقل از کوزر، ۱۳۸۷: ۲۹۳؛ آبراهامز، ۱۳۶۴: ۶۶۷-۶۶۸).

۱۲. مرتن معتقد است توزیع اجتماعی منابع بر اساس موقعیت‌ها انجام می‌گیرد؛ منابعی همچون اقتدار، قدرت، نفوذ و اعتبار. به عقیده‌ی او، این فرایند توزیع منابع همان «ساختار فرصت» اجتماعی است (به نقل از گرونز، ۱۳۸۰: ۱۳۵).

۱۳. افراد از آن‌رو مستأجر موقعیت‌ها دانسته می‌شوند که همچون مستأجر در حال تردد در ساختمان موقعیت هستند.

دانشنامه علوم اجتماعی _____ دوره سوم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۰

۱۴. هاویلا نیز همانند بلاو نقش‌ها را به نهادی و شغلی تقسیم می‌کند، با این تفاوت که نقش نهادی به نظر او به نقش‌های غیرسازمانی (همچون نقش‌های خانوادگی) اشاره دارد.

۱۵. مرتن و کیت نیز از هنجارهای رسمی و غیررسمی نام می‌برند (کوزر، ۱۳۸۷: ۲۶۲).

منابع

- آبراهامز، جی اچ. (۱۳۶۴). *مبانی و رشد جامعه‌شناسی*. ترجمه حسن پویان. [بی‌جا]: چاپخش.
- اسکیدمور، ویلیام. (۱۳۸۵). *تفکر نظری در جامعه‌شناسی*. جمعی از مترجمان. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- آگ برن و نیم کف. (۱۳۵۳). *زمینه‌های جامعه‌شناسی*. اقتباس از ا. ح. آریان‌پور. تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- بودون، ریمون. (۱۳۸۳). *منطق کنش اجتماعی*. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: توتیا.
- پالمر و همکاران. (۱۳۸۰). *نگرش جدید به علم سیاست*. ترجمه منوچهر شجاعی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- ترنر، جان‌اتان اچ. (۱۳۷۱). *پیدایش نظریه جامعه‌شناختی*. ترجمه عبدالعلی لهسایی‌زاده. مرکز نشر دانشگاه شیراز.
- _____ (۱۳۷۳). *ساخت نظریه جامعه‌شناسی*. ترجمه عبدالعلی لهسایی‌زاده. شیراز: دانشگاه شیراز.
- _____ (۱۳۷۸). *مفاهیم و کاربردهای جامعه‌شناسی*. ترجمه محمد فولادی و محمد بختیاری. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- چلبی، مسعود. (۱۳۸۵). *تحلیل اجتماعی در فضای کنش*. تهران: نشر نی.
- _____ (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی نظم و تحلیل نظری نظم اجتماعی*. تهران: نشر نی.
- دارندورف، رالف. (۱۳۷۷). *انسان اجتماعی* (جستاری در باب تاریخچه، معنا و مقوله نقش اجتماعی). ترجمه غلامرضا خدیوی. تهران: آگه.

- عوامل ساختاری کنش اجتماعی؛ بررسی ... کاظم سام دلیری
- دوورژه، موریس. (۱۳۶۹). *جامعه‌شناسی سیاسی*. ترجمه ابوالفضل قاضی. انتشارات دانشگاه تهران.
- رابینز، استیفن پی. (۱۳۸۵). *رفتار سازمانی: مفاهیم، نظریه‌ها، کاربردها*. ترجمه علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- روش بلاو- اسپنله، آن‌ماری. (۱۳۷۲). *مفهوم نقش در روان‌شناسی اجتماعی؛ مطالعات تاریخی- انتقادی*. ترجمه ابوالحسن سروقد مقدم. مشهد: معاونت فرهنگی آستان قدس رضوی.
- شارون، جوئل. (۱۳۸۴). *ده پرسش از دیدگاه جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- صدر نبوی، رامپور. (۱۳۸۴). *گفتارهایی در علوم اجتماعی*. مشهد: انتشارات ۵۹.
- فریگان، نورمند ل. و هری جکسون. (۱۳۸۱). *رهبری سازمانی*. ترجمه ایرج والی‌پور. تهران: مرکز آموزش دولتی.
- کلاین‌برگ، اتو. (۱۳۷۲). *روان‌شناسی اجتماعی*. ترجمه علی‌محمد کاردان. تهران: اندیشه.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۳). *جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی.
- لویز، خوزه و جان اسکات. (۱۳۸۵). *ساخت اجتماعی*. ترجمه حسین قاضیان. تهران: نشر نی.
- مرتن، رابرت و باربر. (۱۳۷۸). «دوگونگی جامعه‌شناختی» در *نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی*. لوئیس کوزر و برنارد روزنبرگ. تهران: نشر نی.
- مندراس، هانری و ژورژ گورویچ. (۲۵۳۶). *مبانی جامعه‌شناسی*. ترجمه باقر پرهام. تهران: سپهر.
- میلز، سی. رایت و هانس گرت. (۱۳۸۰). *منش فرد و ساختار اجتماعی* (روان‌شناسی نهادهای اجتماعی). ترجمه اکبر افسری. تهران: آگه.
- Amankwaa, Linda Chark. (2005). *Maternal Postpartum Role Collapse as a Theory of Postpartum Depress*.
<<http://www.nova.edu/sss/>>

- Biddle, B. J. (1986). "Recent Developments in Role Theory". *Annual Review of Sociology*. Vol. 12.
- Boudreau, Kelly. (2005). *Role Theory: The Line Between Roles as Design and Socialization in Ever quest*.
- Carson, Jay. Britton. (2006). Internal Team Leadership: An Examination of Leadership Role, Role Structure, and Member Outcomes, Faculty of The Graduate School of University of Maryland, College Park, In Partial Fulfillment of The Requirements For The Degree of Doctor of Philosophy.
- Hawila. Virpi. the Role of the Intermediary in International Business Relationships, Theoretical Framework.
- Herrmann, Thomas, Isa Jahnke & Kai- Uwe Loser. (2004). the Role Concept as a Basis for Designing Community Systems.
- Herrmann. Thomas, Isa Jahnke & Kai- Uwe Loser. (2003). Designing Community System Based on Role- Taking and Role Making. University of Dortmund.
- Ilgen, D. R. & J. R. Hollenbek. (1997). "The Structure of Work. Job Design and Roles" in Dunette, M. D, Hoage, L. M. (Eds.). *Handbook of Industrial and Organizational Psychology*. Vol. 2. Paolo Alto, cul: Fornia: Consulting Psychologists Press. PP. 165- 207.
- Jackson, Jay. (1963). *A Conceptual and Measurement model For Norms and Roles*. National Institute of Mental Serves.
- Levinson. D. J. "Role, Personality, and Social Structure". *Journal of Abnormal and Social Psychology*. Lv III.
- Linton, Ralph. (1936). *the Study of Man; Appleton- Century- Crofts*. New York.
- Merton, R. K. (1972). *Social Theory and Social Structure*. New York: The

عوامل ساختاری کنش اجتماعی؛ بررسی ... کاظم سام دلیری

Macmillan Company, Free Press.

- _____ (1957). "The Role- Set; Problems in Sociological Theory" *The British Journal of Sociology*. Vol. v III.
- Parsons, Talcott. (1951). *the Social System*. New York: Free Press.
- Parsons. T. (1949). *The Structure of Social Action: A Study in Social Theory with Special Reference to a Group of Recent European Writers*. New York: free Press.
- Parsons, Talcot. (1967). "on the Concept of Political Power". *Sociological Theory and Modern Society*. New York: Free Press.
- Scot, John. (1994). *Power; Critical Concepts*, Pout ledge.
- _____. "Status and Role, Structural Aspect" in *International Encyclopedia of the Social and Behavioral Sciences*. Edited by Niel Smelser and Paul B Baltes. Section: Sociology Edited by Raymond Boudon.
- Turner. Ralf. H. (2002). *Role Theory, Hand Book of Sociological Theory*. Edited by. Jonathan H. K. Luwer New York Academic/ Plenum Publishers.
- Znaniecke. F. (1940). *The Social Role of the Man of Knowledge*. Columbia University Press.